

## • اعتبار سنجی اصول نوین پایداری اجتماعی با تکیه بر اخلاق اسلامی (در محلات مسکونی)

• فاطمه صمیمی فر\*

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری پایدار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

• مهدی حمزه نژاد\*\*

استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

### • چکیده:

تعاملات اجتماعی یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان است که امروزه به تدریج در حال نابودی است. پایداری اجتماعی گرایشی است که به منظور تقویت این تعاملات در معماری بین المللی مطرح شده است. با این همه چندان روشن نیست که نظریه های نوین در باب پایداری اجتماعی تا چه اندازه پاسخگویی این نیاز در ایران اسلامی هستند؟ مبنای پایداری محلات مسکونی ایران در گذشته به لحاظ اجتماعی چه بوده؟ و راهکارهای پایداری اجتماعی که امروزه در دنیا تجویز می شود تا چه حد با این مبنای همخوانی دارند؟ هدف این تحقیق ارایه راهنمایی برای طراحان معمار و شهرساز است تا بتوانند پایداری اجتماعی را به خصوص در محلات مسکونی به نحوی سازگار با مبنای اسلامی ارتقا دهند. در مراجعه به شالوده نظری اسلامی در حوزه پایداری مهمترین بستر لازم در این راستا، اخلاق معرفی شد. به همین دلیل با مراجعه به مباحث اخلاق اسلامی، ۸ اصل اخلاقی زمینه ساز پایداری اجتماعی محلات مسکونی به قرار زیر انتخاب گردید: عزت نفس اجتماعی (وجدان اخلاقی)، مدارا (عفو و بخشش)، همسایه داری و مهمان نوازی، حیا و غیرت، تواضع و عدم تفاخر ظاهری. بررسی مصادیق و مظاهر این ویژگی ها در محلات مسکونی سنتی ایرانی راه را برای تبیین دقیق تر اصول معمارانه پایداری اجتماعی هموار می کند. روش گردآوری این مقاله روش تطبیقی است به نحوی که با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی اسلام در زمینه ی پایداری اجتماعی به اعتبار سنجی اصول نوین پایداری اجتماعی پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که تئوری هایی که در سطح بین المللی در زمینه ی پایداری اجتماعی مطرح شده است، گرچه در حوزه ی مباحث توسعه جمعی همچون مشارکت جمعی، مسئولیت پذیری، امنیت اجتماعی و مسائلی از این دست اشتراکات زیادی با اسلام دارند ولی در زمینه ی حقوق الهی فرد حرفی برای گفتن نداشته و از آن غفلت می نمایند. بنابراین معیارهای جهانی برای پاسخگویی به نیاز محلات مسکونی ایرانی امروز که سابقه ای درخشان در گذشته داشته اند ناقص بوده و در برخی موارد با اصول اسلامی در تضاد هستند که در این مقاله به این اشتراکات و تضادها پرداخته می شود.

واژه های کلیدی: پایداری اجتماعی، اصول اخلاقی اسلام، محله مسکونی



## مقدمه:

ناگفته پیداست در دنیای امروز تعاملات اجتماعی به میزان زیادی کمرنگ شده‌اند و زندگی‌ها به سمت فردگرایی می‌روند. این موضوع تا حد زیادی گریبان‌گیر همسایگی‌ها در شهر و کشور ما نیز شده‌است. به نحوی که گاه همسایه‌ها به جای داشتن روابط دوستانه با یکدیگر از یکدیگر فرار می‌کنند. این در حالی است که محلات مسکونی ایرانی دارای گذشته‌ی درخشانی هستند. به گونه‌ای که تعاملات اجتماعی بین همسایه‌های یک محله تا جایی بوده است که در شادی‌ها یا مراسم‌های مذهبی همانند یک خانواده عمل می‌کرده‌اند. این که ساختار این محلات از الگوی ایرانی-اسلامی پیروی می‌کرده است سبب شده است که در این مقاله سعی بر بازگشت به اصول اخلاقی اسلامی باشد تا راز این پایداری اجتماعی در محلات مسکونی ایرانی تا حدی کشف شود.

## پیشینه:

کارهای علمی بسیاری در زمینه‌ی پایداری اجتماعی انجام شده است، با این توضیح که در تعاریف و نظریه پردازی‌های متعدد اعم از ایده‌های فلسفی و سیاسی، روی حقوق بشر، رفاه، برابری و عدالت اجتماعی تمرکز بیشتری شده است (woodcraft ۲۰۱۲، ۲۹). در حقیقت پایداری اجتماعی فرآیندی است که طی آن جوامع می‌توانند سطح زندگی خود را ارتقاء دهند، برخی از شاخصه‌های این فرآیند عبارتند از: عدالت بین نسل‌ها، مشارکت سیاسی گسترده شهروندان در سطح محلی، احساس اجتماعی مسئولیت‌پذیری برای نگره‌داری از سیستم حمل و نقل، تساوی حقوق در دسترسی به سرویس‌های کلیدی از جمله بهداشت، آموزش، حمل و نقل، مسکن، تفریح و سرگرمی (McKenzie ۲۰۰۴، ۱۴). طبق تعاریف بین‌المللی، پایداری اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ابزارهای ضروری ایجاد ثروت و رفاه و مشارکت اجتماعی برای گسترش یکپارچگی اشاره می‌کند و به عنوان یک مفهوم، به دنبال حفظ و ثبات مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه است (جاودان ۱۳۹۰، ۲). پایداری اجتماعی همچنین برخی اوقات به عنوان یک سرمایه‌ی اجتماعی دیده می‌شود که به صورت طبیعی و در درجات متفاوتی در جوامع اتفاق می‌افتد، سرمایه‌ای که به مردم اجازه‌ی حفظ انسجام اجتماعی و غلبه‌ی بر سختی‌ها را خواهد داد.

بر اساس فرهنگ لغت مریام وبستر اصطلاح اجتماعی به "تعامل فرد یا گروه‌ها انسانی" مربوط می‌شود. پایداری اجتماعی به عنوان بخشی از مفهوم SD (توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی آیندگان برای رفع نیازشان تامین می‌کند) در گزارش براتلند معرفی شده است. گزارش براتلند روی مسائلی همچون سلامتی و شکاف بین فقیر و ثروتمند به همراه یک هدف برای کاهش فقر در سطح جهان تمرکز دارد. اما کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ پایداری اجتماعی را نیز به عنوان یک حق زندگی مناسب و معقول بین نسلی، فرانسلی و عدالت اجتماعی بین‌المللی معرفی کرد. که این مهم بیشتر از طریق مفاهیمی چون رفاه، امنیت، محیط زیست سالم، دسترسی به آموزش، فرصت‌هایی برای یادگیری، هویت، حس مکان و مشارکت عمومی شرح داده می‌شود (Axelsson, et al ۲۰۱۳، ۲۱۷). به طور کلی خلاقیت معمارانه نیز تنها به منظور پاسخگویی به نیازهای فیزیکی نیست بلکه به منظور برقراری ارتباط با احساسات انسان‌ها هم می‌باشد (Pilechi and Taherkhani ۲۰۱۱، ۵۹). امروزه غربی‌ها به دنبال راهکارهایی برای ساخت شهری با تعاملات اجتماعی بالاتر هستند و نظریه‌هایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند که کم و بیش به آنها عمل می‌کنند.

ی سوم این اصول محوری به صورت تطبیقی بر اساس اصول اسلامی که در مرحله اول استخراج شد سنجیده شده و اشتراکات، نقص‌ها و تضادهای این اصول بر اساس اصول اخلاقی اسلام روشن می‌گردد. همچنین علل مظاهر منفی تئوری‌های غربی در این مرحله تا حدی ریشه‌یابی می‌شود.

#### ۱. پایداری اجتماعی بر اساس اخلاق اسلامی و مظاهر آن

در سنت اسلامی مهمترین بستر ایجاد پایداری اجتماعی رعایت اصول اخلاقی است. این اصول مظاهری در معماری و شهر می‌یابد که بررسی آنها در شهر و معماری سنتی راهی برای زمینه‌سازی احیای آنها است. گام مهم بعدی سنجش میزان رعایت این اصول و ارزشها، در شرایط معاصر است. آسیب‌شناسی دقیق این مسئله هدف این تحقیق نیست. ولی بررسی شواهد مثبت و منفی رعایت این اصول در فهم وضعیت معاصر بسیار راهگشاست.

##### ۱-۱. عزت نفس اجتماعی (وجدان اخلاقی)

عزت نفس در اسلام بر دو نوع است: برای خود و برای دیگران (لنفسه و لغيره). که به ترتیب به معنای عزت نفس شخصی و عزت نفس اجتماعی هستند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: "خداوند هر چیزی را به مومن واگذار کرده جز ذلیل کردن خویش را" (نراقی، ۱۳۷۹، ۳۲۰). علامت صفت "ضعف نفس و سستی آن" در هنگام حادثه، ناتوانی و اضطراب می‌باشد و لازمه این ویژگی ذلت و کناره‌گیری از کارهای بزرگ و کوتاهی در امر به معروف و نهی از منکر است (نراقی، ۱۳۷۰، ۱۶۰). در اینجا به عزت نفس اجتماعی (وجدان اخلاقی) پرداخته می‌شود که موجبات خوداتکایی در بین افراد محله‌راپدیدمی‌آورد.

اگر در جامعه، تمام افراد بر اساس وجدان با یک دیگر معاشرت کنند روابط اجتماعی مستحکم شده، آرامش و امنیت جامعه تقویت خواهد شد.

(McKenzie, 2004, 14) در این پژوهش سعی بر آن است تا با نگاهی نو به معیارهای پایداری اجتماعی بین‌المللی نگریسته و به اعتبارسنجی آنها بر مبنای اصول اخلاقی اسلام در معماری و شهرسازی محلات مسکونی پرداخته شود.

#### روش:

در این پژوهش از گونه‌ای از مطالعه‌ی تطبیقی استفاده شده است، به نحوی که تئوری‌های پایداری اجتماعی نوین با عوامل پایداری اجتماعی مستخرج از اخلاق اسلامی سنجیده و موارد ناسازگار مشخص می‌شود. مطالعه‌ی تطبیقی در برنامه‌ی پژوهشی باعث ایجاد نگرش سیستمی و همه‌جانبه‌نگر خواهد شد، چراکه روی آورد مستقیم در شناخت یک امر فرد را از دیدن ابعاد مختلف آن محروم می‌سازد (قراملکی، ۱۳۸۵، ۲۹۵). فرآیند مطالعه‌ی تطبیقی ۵ گام دارد: الف. تعریف مسئله/ب. تحدید دامنه‌ی تطبیق/ج. یافتن بیشترین وجوه تمایز و تشابه/د. عبور از موارد تشابه و تفاوت ظاهری ه. تبیین مواضع خلاف و وفاق (قراملکی، ۱۳۸۵، ۲۹۹). در این راستا مسیر این پژوهش به گونه‌ایست که ابتدا با بررسی مباحث مربوط به علم اخلاق اسلامی، اصول اخلاقی که اجتماعی هستند و نه فردی و به خصوص مواردی که می‌تواند به مسئله‌ی سکونت در محله مربوط باشد انتخاب می‌شود. در این راستا کتاب علم اخلاق اسلامی مهدی نراقی که از کتب معتبر اخلاق در دنیای اسلام است مبنای قرار گرفته است. سپس با مطالعه‌ی ویژگی‌های محلات مسکونی سنتی ایرانی اسلامی مظاهر و مصادیق برخی از این اصول اخلاقی استخراج می‌شود. بدین ترتیب این اصول و مظاهرشان پایه و اساسی خواهند بود تا تئوری‌های نوین با آنها مقایسه و در مرحله‌ی سوم اعتبارسنجی شوند. در مرحله دوم تئوری‌های نوین پایداری اجتماعی با توجه به منابع معتبر داخلی و خارجی بیان شده و با توجه به اشتراکات عمده‌ی آنها اصول محوری نوین پایداری اجتماعی مشخص می‌شود. سپس در مرحله



اذیت نکردن همسایه نیست، بلکه به صبر بر اذیت همسایه است» (شیخ طبرسی ۱۳۸۵، ۴۵۱). مدارا با یکدیگر به عنوان یک صفت موکد ویژگی اخلاقی است که اگر در وجود افراد یک محله نهادینه شود به تعاملات اجتماعی آن‌ها رونق می‌دهد چرا که با رونق مدارا سطح تحمل افراد نسبت به یکدیگر بالاتر رفته و در نتیجه باهم بودن‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. برای نمونه در محلات مسکونی سنتی ایرانی مراکز محلات محل قرارگیری مسجد، بازار، حمام و دیگر مکان‌های عمومی بوده است و این به معنی برخورد‌های بیشتر افراد محله می‌باشد به نحوی که در مواقع خاص از سال مانند محرم یا جشن‌های عروسی، افراد محله در کنار یکدیگر مراسم‌های خود را برگزار می‌کردند بدون آنکه نگران حضور همسایه‌ها باشند چرا که مدارای افراد در چنین فضاهایی تقویت می‌شد.

### ۳-۱. همسایه داری و مهمان نوازی

پیامبر (ص) می‌فرمایند: هر کس به خداوند و روز جزا ایمان داشته باشد نباید همسایه‌اش را آزار برساند و هر کس به خداوند و روز جزا ایمان داشته باشد باید میهمانش را گرمی بدارد (سلیم حکیم ۱۳۸۱، ۳۸۲).

### ۱-۳-۱. همسایه داری

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید حق همسایه آن است که اگر یاری خواست یاریش کنی و اگر طلب قرض کرد قرضش دهی... و اگر مریض شد عیادتش کنی و اگر مرد جنازه‌اش را تشییع کنی... و بدون اجازه او ساختمان‌ها را از او بلندتر نکنی که راه باد را بر او ببندی. امام باقر (ع) می‌فرماید: از هر جهت تا چهل خانه همسایه حساب می‌شود (جباران ۱۳۷۷، ۱۹۱). و از حضرت امیر (ع) مروی است که: «حضرت رسول (ص) نوشت میان مهاجر و انصار، و هر که ملحق به ایشان است از اهل یترب، که: همسایه آدمی مثل نفس اوست، که باید به او ضرر نرساند. و حرمت همسایه بر همسایه مثل حرمت مادر است» (نراقی ۱۳۷۰، ۵۳۷). در محیط سنتی مسلمانان، افزودن بخشی به ساختمان یا

امام سجاد (ع) می‌فرماید: حق مردم آن است که از آزار آن‌ها خود داری کنی و چیزی را برای آنان دوست بداری که برای خود دوست می‌داری (علامه مجلسی ۱۰۸۱، ۹). اسلام با توجه دادن به وجدان اخلاقی می‌کوشد تا افراد بشر در باطن خود مراقبی بگمارند تا آن‌ها را از تجاوز و آزار به دیگران حتی در حالت خشم و دشمنی باز دارد. یکی از راه‌های ایجاد عزت نفس اجتماعی (خودکفائی در محله) فراهم آوردن امکانات عمومی مورد نیاز ساکنین است همانطور که محلات مسکونی شهرهای ایرانی اسلامی مجموعه‌ای از خانه‌ها و شبکه معابر بود، که با توجه به امکانات ساکنان، کاربری‌های عمومی در آن پیش بینی شده و مجموعه را خودکفا می‌ساخت (تابان و وثیق و قلاتی ۱۳۸۷، ۹۳). یکی دیگر از راه‌های ایجاد اثرات خودکنترلی بر ساکنان شهر تشویق به مسئولیت‌پذیری و تکیه بر وجدان عمومی است (سلیم حکیم ۱۳۸۱، ۴۳).

برای مثال پیامبر اکرم می‌فرماید: هرگاه شخصی در مسیر عبور از مسیری شاخه‌ی گیاه خار داری (مانعی) را مشاهده کند و آن را بردارد خداوند او را می‌آمرزد (سلیم حکیم ۱۳۸۱، ۳۷۵). مظهر این صفت (وجدان اخلاقی) در افراد ساکن یک محله مسکونی به صورت حس هم محله بودن بروز کند و البته واضح است که این حس گاه از حس تعلق به مکان ناشی می‌شود پس یکی از وظایف معمار آن است که فضا را به نحوی بپردازد که با ایجاد خاطرات جمعی حس تعلق به مکان، در این صورت است که افراد محله نسبت به محله‌ی خود و هم محله‌ای‌های خود احساس مسئولیت‌پذیری و وجدان اخلاقی خواهند داشت.

### ۲-۱. مدارا (عفو و بخشش)

قرآن دستور می‌دهد که «گذشت را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و بانادانان مدارا کن و از خطاهایشان درگذر» (اعراف / ۱۹۹) چنین دستوری از مهمترین آموزه‌های معصومین است. به طور مثال امام صادق (ع) فرمودند: «خوب همسایگی کردن به



برای همسایه‌ها از طریق آلوده نمودن هوا را به عنوان اقدامی زیان آور قلمداد می‌کند (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۵۹). برای مثال رعایت حقوق همسایه را در معماری و شهرسازی سنتی محلات یزد مشاهده می‌شود به نحوی که خانه‌های یک طبقه هیچ‌کدام مانع رسیدن هوا به یکدیگر نمی‌شوند (تصویر ۱).

ایجاد تغییراتی در آن به گونه‌ای که مانع از رسیدن هوای طبیعی و نور خورشید به خانه‌های مجاور گردد، ممنوع می‌باشد. شریعت اسلامی نه تنها بر ورود هوای طبیعی به خانه‌ها، بلکه بر کیفیت هوای ورودی نیز تاکید می‌کند. شریعت اسلامی، آلوده نمودن هوا از طریق دودکش خانه‌ها را محکوم نموده و ایجاد مزاحمت



تصویر ۱. هیچ‌کدام از خانه‌ها مانع رسیدن هوا به خانه‌های دیگر نمی‌شود، خانه‌های یزد، (غضبانپور ۱۳۷۹)

زیبایی می‌آراستند (کیانی ۱۳۶۶، ۳۷۶). در حقیقت مقیاس انسانی بکار برده شده در ورودی‌ها و تزئینات در بدو ورود به نحوی به مهمان خوش آمد گفته و به این ترتیب مظهری از مهمان‌نوازی را به نمایش می‌گذارند.

#### ۱-۴. حیا و غیرت

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خدای تعالی غیرتمند است و غیرت را دوست دارد و از جهت غیرتش کارهای زشت را چه آشکار و چه نهان حرام کرده است.» (نراقی م. ۱۳۷۹، ۳۲۵). همچنین پیامبر خطاب به حضرت فاطمه (س) فرمود: چه چیز برای زن بهتر است؟ عرض کرد: اینکه مردی را نبیند و مردی او را نبیند (نراقی م. ۱۳۷۹، ۳۲۵).

#### ۱-۳-۲. میهمانی (مهمان‌داری)

رسول خدا (ص) به فاطمه (س) فرمودند کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد مهمان را اکرام می‌کند. (الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵) حق مهمان این است که او را اکرام کنی. (کلینی ۱۳۷۵، ۲۸۵) در خصوص گرمی داشت مهمان در معماری سنتی محلات مسکونی شهرهای ایران سادگی و یکنواختی نمای خارجی دیوارها در فضاهای ورودی خانه‌ها، جای خود را به زیبایی و تنوع داده است، زیرا فضای ورودی خانه‌ها را می‌توان تنها بخشی از نمای خارجی خانه دانست که در بیشتر خانه‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت، نمای آن را با آجر و گچ پوشانده و با استفاده از کاربردی، آجرکاری و گاه گچ‌کاری به



ایران به وضوح به چشم می‌خورد. همچنین در هنگام حضور زن در خانه نیز حریم او باید به خوبی حفظ شود به نحوی که از دیدرس دیگر خانه‌ها در امان بوده و آرامش لازم را داشته باشد. حال به مظاهر این صفت اخلاقی در معماری پرداخته می‌شود: خداوند در آیه ی ۲۷ سوره نور می‌فرماید: ای مومنان به خانه‌ای جز خانه‌های خودتان وارد نشوید تا رخصت طلبید و بر ساکنان خانه سلام کنید چنین کاری برای شما بهتر است که پندگیرید. صیانت از حریم خصوصی فرد و خانواده‌اش در خانه و محله، در محیط سنتی با موفقیت انجام گردید، همه خیابانهای اصلی، از مرکز منطقه (بالا ترین سطح دسترسی زندگی شهری) آغاز می‌شدند، به تدریج از وسعت خیابانها کاسته شده و ماهیت، عملکرد و شکل آنها از حالت عمومی به نیمه عمومی و کوچه‌های بن بست، تغییر می‌یافت و در نهایت به حیاط خصوصی خانه‌ها ختم می‌شد. بن بستها، آنقدر خصوصی بودند که جزء فضای خصوصی خانه، محسوب می‌شدند (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۲۲). "حریم" که در حوزه خانه‌های سنتی نام اندرونی و بیرونی گرفته و در سطح محله به شکل سلسله مراتب خود را نشان می‌دهد همانطور که درونگرایی خانه‌ها به منظور حفظ حریم خصوصی شان را می‌توان دید و آرامش حاکم بر داخل این خانه‌ها را از بیرون نیز می‌توان درک کرد، در فضای بیرون از خانه نیز حال و هوای مشابهی وجود دارد.

در ساختار بسیاری از شهرهای کهن ایران از شش عرصه می‌توان یاد کرد: فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی، فضاهای عمومی خاص یک گروه، فضاهای خصوصی خاص یک گروه، فضاهای خصوصی خانواده و فضاهای خصوصی فرد (تابان و وثیق و قلاتی ۱۳۸۷، ۹۲). که این نشان از سلسله مراتب حساب شده برای حفظ حریم‌ها در ساختار شهر و محله دارد. مثالی دیگر دوکوبه‌های درب‌های ورودی است که اهل خانه را از جنسیت مهمان با خبر می‌کرده است.

بدین ترتیب سفارش اسلام آن است که زنان حتی المقدور از معاشرت و برخورد با مردان جز بقدر ضرورت پرهیز کنند. بنابراین پیش‌گیری از رخ نمودن انحراف‌ها و جلوگیری از تحریک نابجای یکی از نیرومندترین و هیجانی‌ترین غرایز می‌تواند بسیاری از مفاصل را در خانواده و اجتماع به کمترین حد برساند (نراقی م. ۱۳۷۹، ۳۲۶). از طرفی، آیت الله جوادی آملی مطرح می‌کند که قرآن در بخش مسائل اجتماعی در آیه ی ۱۹ سوره ی نساء<sup>۱</sup> می‌فرماید: با زن‌ها معاشرت نیک و معروف داشته باشید و زنان را چون مردان در مجامع خود راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آن‌ها در مجامع شما شرکت کنند، این کار ناخوشایند را تحمل کنید، زیرا ممکن است خیر فراوانی در این کار باشد و شما ندانید. معاشرت در "و عاشروهن بالمعروف"<sup>۲</sup> گرچه در زمینه ی امور خانوادگی است، اما اختصاصی به آن ندارد، زیرا ملاک آن در مسائل اجتماعی نیز وجود دارد، گاهی در اثر تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ نادرست، تعصب خام و مانند آن، مرد‌ها خوش نمی‌دارند که زنان مانند آنان در جامعه و صحنه‌های سیاست، درمان و پزشکی، فرهنگ و تدریس و... سمت و حضور داشته باشند لیکن باید این امر را تحمل کنند شاید خیر فراوانی در این کار باشد که نمی‌دانند (جوادی آملی ۱۳۸۹، ۲۸۶). این آیات و روایات بر حسب ظاهر کمی متعارض به نظر می‌رسند، اما نکته آن جاست که با رعایت حریم‌های مورد نیاز هر دو مورد پوشش داده خواهد شد. در حقیقت این حفظ حریم زن است که کلید حیا و عفت در جامعه را می‌سازد. بنا بر آنچه از احادیث و آیات قرآن در مورد غیرت بر ناموس، حیا و معاشرت با زنان ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت حضور سالم زنان در محله با رعایت حریم‌های مورد نیاز نه تنها مانعی ندارد و بلکه لازم هم هست و البته در هنگام حضور او در خانه نیز حریم او باید به خوبی حفظ شود به نحوی که از دیدرس دیگر خانه‌ها در امان بوده و آرامش لازم را داشته باشد، چنانچه این امر در معماری محلات مسکونی سنتی



و شهرسازی سنتی ایران نیز به ویژه در نواحی مرکزی کشور عدم نماسازی سطوح خارجی بنا و تزیین آن است. سطح بیشتر دیوارها را با کاه گل و به ندرت با گچ یا آجر می‌پوشاندند. سادگی سطح خارجی دیوار ها گاه چنان است که هیچ تفاوتی بین خانه های ثروتمندان و قشرهای متوسط مشاهده نمی‌شود. علت آن را در نوعی عادت اجتماعی و شهری می‌توان دانست که اعیان و ثروتمندان شهر عادت نداشتند مکت و ثروت خود را به این ترتیب نمایان سازند (کیانی ۱۳۶۶، ۳۷۶). همچنین خصوصیات حجمی و ارتفاع بیشتر خانه‌ها به گونه‌ای بود که کمتر خانه‌ای توسط ارتفاع و حجمش خود را از سایر بناها متمایز می‌نمود به همین سبب عناصر مهم شهری مانند قلعه‌های درون شهری، مساجد، مدارس و مزارها به خوبی از فاصله‌ای دور آشکار و نمایان بودند (کیانی ۱۳۶۶، ۳۷۷). لازم به ذکر است در راستای این اصل اسلام ترسیم نقاشی به ویژه نقاشی صورت انسان و حیوانات بر روی دیوارها و تابلوها را مکروه دانسته است.

#### ۱-۶. احترام

در حدیث قدسی وارد شده است که: «باید ایمن شود از غضب من هر که اکرام کند بنده مؤمن مرا» و پیامبر فرموده اند: «هیچ بنده‌ای از امت من نیست که ملاحظت کند با برادر مؤمن خود، به نوعی از ملاحظت، مگر اینکه خدا از خدمه بهشت خدمتکار از برای او قرار می‌فرماید» (نراقی م. ۱۳۷۹، ۴۷۳).

#### ۱-۶-۱. احترام پیران

زیادت اکرام و احترام پیران و ریش سفیدان اهل اسلام بر جوانان لازم است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «بزرگ شمردن شیخ پیر، و تعظیم او، تعظیم و بزرگ شمردن خدا است» (نراقی م. ۱۳۷۹، ۴۷۴). مظهر این صفت اخلاقی در معماری و شهرسازی سنتی ایران به خوبی به چشم می‌خورد، در واقع پردازش فضا متناسب با نیازهای افراد نوعی احترام به آن‌ها محسوب می‌شود برای مثال پیرنشین‌هایی که در پیش ورودی منازل و یا در مرکز محلات مسکونی دیده می‌شود نمونه بارز این مورد است که محل گفتگو و گذران اوقات پیران محله بوده است.

۱-۵. تواضع و عدم تفاخر ظاهری (نفی تجمل‌گرایی)  
در قرآن کریم آیات متعددی انسان را به تواضع به عنوان یکی از خصایل شخصیتی مؤمن، دعوت نموده است. برای مثال خداوند در آیه ۶۳ سوره ی فرقان می‌فرماید: بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند) علامه ی مجلسی نیز بیان می‌دارد: بدان که با اندک هم می‌توان خدا خواه بود نه با دشواری چنان‌ی که خدا از خلش آسان‌ی خواسته و دشواری نخواست و همین طور سادگی برای تو بهتر است از بزرگمنشی زیرا که آن مشقت و هزینه دارد اما سادگی و فروتنی نه مشقت دارد و نه هزینه چون هم‌آهنگی با آفرینش است (مجلسی ۱۳۸۶، ۹). پیامبر اسلام خود بسیار ساده زیست بودند محل خواب حضرت نیز بسیار ساده بود. ایشان، زیراندازی از پوست داشت که از لیف خرما پُر شده بود (طباطبائی ۱۳۸۵). شخصی گفت: انسان دوست دارد که لباس و کفشش نیکو باشد. پیامبر فرمود: "خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد" در جای دیگر پیامبر اکرم می‌فرماید: خداوند به ظاهر اموال شما نمی‌نگرد، بلکه به قلوب و اعمال شما نگاه می‌کند (سلیم حکیم ۱۳۸۱). در واقع زیبایی مد نظر اسلام زیبایی فارغ از تکبر و اسراف است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: هر بنایی که زیاده بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبالست بر صاحبش (کیانی ۱۳۶۶، ۴۱۳). از دیدگاه اسلام، هدف از ساخت خانه، فراهم آوردن سرپناه در برابر شرایط اقلیمی و صیانت از ایمنی و حریم خصوصی است. بدین معنا که فرد مسلمان نباید مقادیر فراوانی را صرف ساخت خانه‌های زیبا نماید و سرگرم موضوعاتی درجه ۲ نظیر تزئینات و اتاقهای غیر ضروری شود البته این منع در رابطه با مسکن، به این معنا نیست که انسان بایستی با شرایط رقت بار، زندگی کند (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۶۳). یکی از اصول حاکم بر معماری





تصویر ۲. روستای هن جن از توابع ایبانه، پیرنشین در مرکز محله، منبع: نگارنده

#### ۷-۱. مشورت

خداوند در آیه ی ۱۵۹ سوره ی آل عمران می فرماید: "درکارها با آنان مشورت کن"<sup>۳</sup> و همچنین خداوند در آیه ی ۳۸ سوره ی شوری می فرماید: "و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می گویند و نماز می گزارند و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند". حال نکته قابل توجه آن جاست که مشورت موردی است که غیبت در مقام آن جایز است و این نشان از نقش مهم مشورت در زندگی اجتماعی دارد.

#### ۸-۱. اتحاد و همبستگی

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) درباره جامعه مؤمنان، مطرح شده است که: مثل اهل ایمان در دوستی متقابل و در مهربانی متقابل مثل اعضای یک پیکر است. آیا وقتی عضوی از اعضای یک پیکر به درد آید، سایر اعضا راحت می خوابند و می گویند آن عضو هر چه می خواهد درد بکشد، بکشد؟ پیغمبر می فرماید سایر اعضا به دو وسیله با این عضو همدردی می کنند: یکی به وسیله تب و دیگر به وسیله بی خوابی. اعضای دیگر نمی خوابند و دائما در تب و تابند (مطهری ۱۳۶۷، ۳۲۲). در واقع یکی دیگر از آداب معاشرت با مردم، روحیه همبستگی و همبستگی است، زیرا از جمله حقایق انکار ناپذیر لزوم اتحاد و همبستگی در یک اجتماع است.

لازمه ی زندگی خوب زندگی اجتماعیست، یعنی باید نیروهای کوچک و پراکنده به یکدیگر ببیوندند تا بتوانند

در پرتو اتحاد و تبادل افکار، در رفع مشکلات خودگامهای مؤثری بردارند (مهدوی کنی ۱۳۹۰، ۶۰۵-۶۰۶). مظاهر این اتحاد و همبستگی در معماری و شهرسازی سنتی ایران بیش از هر چیز در مساجدی دیده می شود که در مراکز محلات قرار داشتند. نقش کلی مسجد، ایجاد هماهنگی بین مسلمانان با دستورات خداوند و هماهنگی درون جامعه است. از دیدگاه اسلام، مسجد دو هدف منسجم دارد: پرستش خداوند بصورت نماز دسته جمعی و ایجاد اتحاد درون جامعه و تقویت روابط اجتماعی (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۲۸). اما به طور کلی تر مرکز محله در ایران سنتی، عمومی ترین عرصه محلی و محل تجمع و برخورد هم محله ای ها، محسوب می شود. زنده بودن مرکز محله، نشان از انسجام اجتماعی افراد و علاقه مندی ایشان به حفظ و ارتقای محله و کسب هویت اجتماعی و مکانی برای آن داشته است (تابان و وثیق و قلاتی ۱۳۸۷، ۹۴). برای نمونه در بافت قدیم شهر دزفول مسجد هر محله محل اجتماعات افراد محله بوده به نحوی که مراکز محلات، اغلب از یک میدانچه، یک مسجد یا بناهای مذهبی، یک حمام و چند مغازه در محل تقاطع راسته های اصلی شهر شکل گرفته اند. به این ترتیب مساجد تنها نقش مذهبی ایفا نمی کردند بلکه به سبب موقعیت قرار گیریشان در مرکز محله و خدمات عمومی محلی برای گفتگوها و ملاقات های درون محله ای بودند.





## ۲. ارزش‌های پایداری اجتماعی در غرب و مظاهر آن

### ۲-۱. پایداری اجتماعی چیست؟

پایداری اجتماعی یک سامانه از ارتباطات فرهنگی است که در آن جنبه‌های مثبت فرهنگ‌های نامتجانس با ارزش تلقی شده و مورد حمایت هستند. و مشارکت گسترده‌ای از شهروندان نه تنها به صورت سیاسی بلکه به صورت اجتماعی در تمام نواحی محیط زندگی شهری وجود دارد (Oktay, 2012, 20). بنا بر این پایداری اجتماعی مبحثی انسانی و اجتماعی است که شیوه‌ی زندگی انسان و اثرات آن بر تعاملات اجتماعی در طول زمان را بررسی می‌کند.

حال هدف طراحی پایدار یافتن راه‌های معمارانه‌ای است که شرایط زیستی مناسب را تأمین کند. به همین منظور طراحی باید منطبق بر سه اصل "صرفه‌جویی در مصرف منابع"، "طراحی بر اساس چرخه حیات" و "طراحی انسانی" صورت گیرد. در این بین دو اصل اول تکنیکی بوده، در حالی که اصل سوم برگرفته از انسان و روش‌های زندگی اوست (رئسی و عباس زادگان و حبیبی ۱۳۸۶، ۶). به عنوان مثال اگر مسکن به عنوان عنصر اصلی محلات مورد توجه قرار گیرد به عقیده راپاپورت، خانه نتیجه‌ی نیروهای فیزیکی یا هر علت مجرد دیگر نیست بلکه نتیجه‌ی گسترده عوامل اجتماعی فرهنگی است. شکل مسکن به نوبه‌ی خود به وسیله‌ی شرایط اقلیمی، فن‌آوری سازه‌ای و مواد قابل دسترس قابل تغییر است اما آن‌ها را نمی‌توان نیروهای اولیه نامید، راپاپورت آن‌ها را نیروهای درجه ۲ یا تغییر دهنده می‌نامد. او عقیده دارد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی هر قوم نحوه‌ی قرارگیری واحدهای مسکونی در کنار هم است که این ویژگی از باورها و فرهنگ سنتی اقتباس می‌شود. بر اساس این نگرش می‌توان طراحی پایدار به لحاظ اجتماعی را چنین تعریف نمود: طراحی فضایی که ظرف مناسبی برای جای دادن فرهنگ، رفتارها و روش زندگی انسان‌ها باشد و جریان زندگی که از همین عناصر تشکیل می‌شود بتواند برای مدت طولانی تری در آن حضور داشته باشد (رئسی و عباس زادگان و حبیبی ۱۳۸۶، ۸).

### ۲-۲. نظریه‌های نوین پایداری اجتماعی در محلات

شکل دهی به فضاهای شهری نیازمند شناخت انسان، انگیزه‌های او و توجه به چگونگی ارضاء این نیازها در تعامل با محیط کالبدی است (مطلبی ۱۳۸۵، ۵۷). آنچه امروزه با عنوان پایداری اجتماعی از آن یاد می‌شود بیش از هر چیز متوجه "نیازهای انسان" شده است و در حقیقت علت ناپایداری تعاملات اجتماعی "عدم توجه به نیازهای انسان" در مقابل پرداختن صرف به کالبد فضا دانسته شده است به نحوی که محیطی به عنوان محیط خوب پذیرفته می‌شود که در آن پاسخ مناسبی برای نیازهای انسان آن هم بر اساس هرم مازلو وجود داشته باشد. برخی موارد چون نیاز فیزیولوژی، نیاز به امنیت، نیاز به تعلق، نیاز به زیبایی، نیاز به راحتی، فراتر از آن آسودگی و نیاز به کشف (تجربه تنوع) را به عنوان نیازهای انسان مطرح می‌کنند و برخی فراتر از این نیازها رفته و پایداری اجتماعی را با پارامترهای دیگری مطرح می‌کنند. در زیر به چند نمونه پرداخته می‌شود:

فضای پایدار به لحاظ اجتماعی باید در کنار تقویت جریان زندگی، کیفیت آن را نیز بهبود بخشد.

این موضوع خود منجر به ایجاد جریانی می‌گردد که در آن انسان‌ها به مصرف‌کنندگانی آگاه و ناظرانی دائمی تبدیل خواهند شد. (رئسی و عباس زادگان و حبیبی ۱۳۸۶، ۸) پارامتر مورد توجه در اینجا "خودکفایی" اهل محله و یا شهر می‌باشد به نحوی که افراد نسبت به محیط خود و البته نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند. این مهم در واقع تکیه بر وجدان عمومی را سبب می‌شود که این نیز خود سبب ساز بالارفتن کیفیت زندگی می‌باشد.

پایداری اجتماعی یا همان حفظ سرمایه اجتماعی با به وجود آوردن اعتماد از هزینه مبادله می‌کاهد و فقط مشارکت منظم در جامعه مدنی قوی (شامل حکومت) است که می‌تواند چنین وضعی ایجاد کند (باقری ۱۳۸۸).



در پی آن رضایت شهروندی، تنها زمانی می‌تواند ایجاد شود که انسان فارق از ظواهر و نمودهای شهری نوین در موقعیتی چهره به چهره با دیگران به تعامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی رسیده باشد (تابان و وثیق و قلاتی ۱۳۸۷، ۹۱). جوآناپایکینز بیان می‌دارد که گذران اوقات فراغت در فضاهای باز شهری فقط به عنوان لذت بردن از تنوع طلبی مطرح نیست، بلکه عنصری مهم در یک زندگی سالم محسوب می‌گردد. او معتقد است که ترس از دیگری و عدم اطمینان شهروندان به یکدیگر ناشی از عدم وجود فضاهای باز شهری مناسب است، جایی که انسان‌ها بتوانند به راحتی با یکدیگر ارتباط داشته باشند. (رئیس‌ی و عباس زادگان و حبیبی ۱۳۸۶، ۹). بنا بر این وضعیت، واضح است در این تعاریف آسیب‌هایی وجود دارد از آن جمله این که در رویکرد نخبه‌گرا<sup>۴</sup>، سرمایه‌داری نوع غربی که بیشتر به دنبال رفاه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌کند زیرا رقابت و فردگرایی را بر تعاون و اجتماع‌گرایی ترجیح می‌دهد. در عمل نیز نهضت مدرن با تشکیل کنگره بین‌المللی معماری مدرن دو راه حل برای شهرها ارائه کرد. راه حل اول توسط تئوری شهر درخشان لوکوربوزیه (شکل ۴) با تاکید به توسعه عمودی و آزادسازی چشم‌اندازها مطرح شد و راه حل دوم در قالب مدل‌های واحد همسایگی، باغ‌شهرها و در نهایت مدل توسعه یافته‌ی واحد همسایگی به نام سوپر بلاک (رادبرن)<sup>۵</sup> به ترتیب توسط کلارنس پری، ابنزهاوارد و کلارنس اشتاین پیشنهاد شد همه‌ی اینها با شعار آرمانگرایی و دستیابی به شهرهای انسانی در جهت پاسخ به شهرهای تکه تکه شده صنعتی بود. اما روحیه ضد اجتماعی مدرن توسط نظریه پردازانی مثل جیکوبز، لینچ، الکساندر و کریمر مورد انتقاد قرار گرفت. پیشنهاد آنها الهام از محلات سنتی، افزایش تراکم، پیاده روی، عدم پراکندگی و تاکید بر تمرکز شهری و مشارکت مردم بود (سلخی خسرقی ۱۳۹۰، ۷۲۲-۷۲۳).

در این مورد اشاره به معیاری شده است که امروزه به شدت مورد توجه است و آن ایجاد حس اعتماد و اطمینان بین شهروندان است که مشروط به مشارکت دائمی افراد جامعه است و سبب ساز امنیت در اجتماع می‌باشد. همچنین Woodcraft به نقل از دمپسی و همکاران عوامل غیرفیزیکی پایداری اجتماعی شهر را (بدون هیچ نظم خاصی) به شرح زیر اعلام می‌کند، عدالت اجتماعی درون نسلی و برون نسلی، مشارکت و دموکراسی محلی، بهداشت، کیفیت زندگی و رفاه، ریشه‌کن کردن محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، ایمنی، توزیع عادلانه درآمد، نظم اجتماعی، انسجام اجتماعی، تعامل اجتماعی، حس اجتماعی و تعلق، سنت‌های فرهنگی و سازمان‌های اجتماعی فعال (Woodcraft ۲۰۱۲، ۳۴). همانطور که دیده می‌شود در این نظریه‌ها علاوه بر موارد قبلی شامل "مسئولیت‌پذیری، امنیت، مشارکت و بالا رفتن سطح کیفیت زندگی" بها دادن به مصرف‌کنندگان، استفاده از نظریات خودشان، توانمندسازی آن‌ها، توزیع در آمد و همچنین رفاه اجتماعی مطرح می‌شود. طی بررسی‌های بیشتر در مواردی به معیارهایی همچون همبستگی، محبت، هم‌یاری، معیارهای صداقت و درستی، نظم و اخلاق مورد توافق عموم، تعامل‌های فرهنگی و مذهبی و... نیز اشاره شده است، اما برخی معیارها به شدت مورد تاکید اند و در اکثر نظریه‌ها دیده می‌شوند و می‌توان گفت محور اصول پایداری اجتماعی در نظریه‌های نوین را تشکیل می‌دهند البته در این مورد نیز مانند شهرهای اسلامی این که تا چه میزان این معیارها در غرب محقق شده‌اند جای پرسش دارد. این طور به نظر می‌رسد که این اصول محوری شامل "عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی و رفاه اجتماعی" هستند. اما آنچه از طرف دیگر مطرح می‌شود این است که امروزه فضاهای زیستی انسان دچار آشفتگی‌های ناشی از مظاهر تمدن عصر ارتباطات گردیده است. مقیاس انسانی شهرها



بنا بر این آسیب‌ها، به نظر می‌رسد جای برخی از معیارها در بین اصول محوری نظریه‌های نوین پایداری اجتماعی خالی بوده است. حال با دانستن معیارهای غربی درصدد جمع‌بندی آنها در قالب اصول محوری آن برآمده و مظاهر اجتماعی آن در قالب دو ستون مثبت و منفی در جدول ۱ جای داده شده است:

مظاهر مثبت	مظاهر منفی	معیارهای پایداری اجتماعی	محورهای اصلی
توسعه جمعی (امکانات عمومی کافی)		ریشه‌کن‌سازی محرومیت‌ها/ برابری	عدالت اجتماعی
توسعه جمعی/ حس تعلق مکان		مسئولیت‌پذیری/ بهادادن به مصرف‌کننده	مشارکت اجتماعی
توسعه جمعی/ قابل‌زندگی بودن / بهبودکیفیت‌زندگی	فردگرایی/ انبوه و بزرگ‌سازی / تماشایی بودن / مقیاس ماشین	نیازهای فیزیولوژی/ کشف (تجربه تنوع) / راحتی و آسودگی / نیاز به زیبایی	رفاه اجتماعی
مقیاس انسانی / توسعه جمعی / حس تعلق مکان	حمایت از اجتماعات با حذف فضاهای نیمه خصوصی یا نیمه عمومی و ۱۰ شدن فضاها به منظور ایجادامنیت (نظریه لوکوربوزیه)	اعتماد و اطمینان	امنیت اجتماعی

جدول ۱. معیارهای پایداری اجتماعی در غرب و مظاهر آن، منبع: نگارنده

## ۳. نتیجه‌گیری

۳-۱. مقایسه نسبی اصول پایداری اجتماعی منتج از اخلاق اسلامی و اصول نوین پایداری اجتماعی بر اساس سخنان فوق ارزیابی اصول پایداری اجتماعی غرب بر مبنای اصول اخلاقی اسلام را می‌توان به طور خلاصه در جدول زیر مشاهده کرد.

## جدول ۲. مظاهر معمارانه اصول اخلاقی اسلام و تقابل آن‌ها با معیارهای پایداری اجتماعی غرب، منبع: نگارنده

اصول اخلاقی اسلامی	معیارهای پایداری اجتماعی نوین هم تراز با اصل اخلاقی اسلامی	شیوه‌ی تحقق سنتی اصل اخلاقی اسلامی	اعتبارسنجی اصول نوین پایداری اجتماعی با تکیه بر اصل اخلاقی اسلامی
۱. عزت نفس اجتماعی (وجدان اخلاقی) رونق امر به معروف و نهی از منکر و احترام متقابل	مسئولیت‌پذیری اجتماعی (خودکفایی، آگاهی و نظارت افراد)	گسترش فضاهای عمومی (امکانات عمومی کافی در محله به منظور ایجاد خودکفایی) / محله محوری به منظور ایجاد حس تعلق به محله	اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی در غرب به دنبال ایجاد همان وجدان اخلاقی است.
۲. مدارا (عفو و بخشش) که در اسلام به معنی صبر بر اذیت دیگران است.	هم تراز ی ندارد.	گسترش فضاهای عمومی (تجربه‌ی باهم‌بودن‌های بیشتر)	تاکید غرب بر رفاه فردی است (و گاه اجتماعی) حال آنکه مدارا تحمل آزار دیگران است.
۳. همسایه‌داری و مهمان‌نوازی	هم تراز ی ندارد (اشاره موردی به محبت، هم‌یاری، اطمینان و امنیت اجتماعی)	درون‌گرایی / رعایت حریم / محله محوری (افزایش حس همسایه داری) / مقیاس انسانی (مردم وار بودن محله و گرمی داشت مهمان با تزیینات ورودی)	تاکید کم‌رنگ نظریات نوین بر هم یاری بدون حد و مرز در مقابل طرح ۴۰ خانه اسلام که به دنبال خانواده‌هایی بزرگ در قالب محلات است / دیدن رفاه اجتماعی در مقیاس ماشین در غرب در مقابل تعریف مهمان‌نوازی در اسلام با مقیاس انسانی
۴. حیا و غیرت اسلام زندگی شخصی و اجتماعی را جدای از یکدیگر می‌داند.	هم تراز ی ندارد تعاملات اجتماعی بی‌قید و شرط را عامل پایداری اجتماعی می‌داند.	رعایت حریم (برای زندگی خصوصی فرد در خانه و محله) / درون‌گرایی (وجود اندرونی و بیرونی در خانه‌ها) / سلسله مراتب (سلسله مراتب در نظم خیابان‌ها و فضاهای خارجی)	تعاملات بی‌حد و مرز موجب تحریک نابجای نیرومندترین غریزه آدمی شده و مفاصل اجتماعی را در پی دارد که این یکی از عوامل ناپایداری اجتماعی در غرب است.
۵. تواضع و عدم تفاخر ظاهری	عدالت اجتماعی	زیبایی فارغ از تجملات / درون‌گرایی و سادگی (هیچ بنایی قصد به رخ کشیدن خود را ندارد) / مقیاس انسانی	از بین بردن تفاوت بین فقیر و غنی که از طریق تواضع حاصل می‌شود همان عدالت اجتماعی است.

توجه به نیازهای انسان نوعی احترام به اوست اما در نظریات نوین کمتر تأکیدی بر خود احترام دیده شد.	سلسله مراتب ( در محلات مسکونی به نوعی سبب احترام به مهمان است و پیرنشین ها اوج این ویژگی است .)	توجه به نیازهای روحی انسان	۶. احترام به خصوص در مورد پیران .
مشارکت مردمی و بهای دادن به مصرف کننده با اخلاق اسلامی سازگاری خوبی دارند.	گسترش فضاهای عمومی/محله محوری/مسجد محل مشورت در محله (محل ختم تمامی راه ها و مرکزیت محله‌ها)	مشارکت مردمی و بهای دادن به مصرف کننده	۷. مشورت
اصل با اخلاق اسلامی سازگار است.	گسترش فضاهای عمومی/ محله محوری / مسجد در مرکزیت محله	همبستگی اجتماعی	۹. اتحاد و همبستگی

به نظر می‌رسد اشتراکات نظریه‌های نوین با اصول اخلاقی اسلامی در حقوق جمعی است. مواردی همچون همبستگی اجتماعی، مشارکت، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری. اما آنجا که حقوق فردی و الهی مطرح است تئوری‌های غربی ناقص به نظر می‌رسند، چرا که اصول اخلاقی چون تواضع یا حیا و غیرت در نظریه‌های نوین پایداری اجتماعی مورد تأکید نبوده و مورد غفلت واقع شده‌اند. نکته قابل توجه آن است که از میان دو دیدگاه غربی رویکرد نو عملگردها سازگاری بیشتری با اصول اخلاقی اسلام دارد. اما در همین رویکرد نیز به نظر می‌رسد علت انتقاد و نارضایتی از نهضت مدرن از جانب خود غربی‌ها این باشد که با وجود توجه به سلسله مراتب راه‌ها در طرح رادبرن (شکل ۶) نسبت به طرح لوکوربوزیه، بازهم نقص در آن است که مرکزیت محله به فضای سبز داده شده حال آنکه طبق اصول اسلامی مرکزیت محله با فضای عمومی مذهبی چون مسجد است تا محلی باشد برای گفتگوها، ملاقات‌ها و تعاملات پایدار اجتماعی (شکل ۵). همانطور که دیده می‌شود مظاهر معمارانه اصول اخلاقی اسلام که کم و بیش در محلات مسکونی سنتی ایران رعایت شده است در برخی موارد دارای معادل‌هایی در معیارهای پایداری اجتماعی غرب می‌باشد و در برخی موارد معادلی مشاهده نمی‌شود همچنین برخی از معیارها و مظاهر غربی شامل (فردگرایی، انبوه و بزرگ‌سازی، تماشایی بودن، مقیاس ماشینی، حمایت از اجتماعات با حذف فضاهای نیمه خصوصی یا نیمه عمومی و ۱۰۰ شدن فضاها به منظور ایجاد امنیت (نظریه لوکوربوزیه)) (شکل ۴) نه تنها با اصول پایداری اجتماعی اسلامی سازگاری ندارند که در تضاد با آن نیز هستند.

برای مثال حریم که مظهری از حیا، غیرت و همسایه‌داری در اسلام است تفاوت‌های پررنگی با حریم در نظریه‌های غربی دارد. به طوریکه می‌توان گفت معیار معادل در غرب فرق بارزی با این اصل اسلامی دارد. در محلات مسکونی سنتی ایران راه‌ها و فضاهای دارای سلسله‌مراتبی بودند (شکل ۳) شامل فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی، خصوصی و داخل خانه. ورود به خانه‌های قدیمی ایرانی-اسلامی در واقع ورود به فضاهایی بود که با صافی‌هایی از فضای خارجی تفکیک می‌شد. معماری و شهرسازی سنتی ایران، شرم و حیا را با چیدمان فضاهای میسر می‌کرد اما معماری و شهرسازی امروز غرب گاه زندگی خصوصی را به نمایش می‌گذارد و کمتر به دنبال ایجاد حریم است.



نظریه‌های نوین اشتراکات زیبایی با اصول اسلامی دارند، هدف هر دو دستیابی به تعاملات اجتماعی برتر و بالاتر است اما مسئله آنجاست که نظریه‌های جدید وظایف فردی موثر بر اجتماع را در نظر نگرفته و تنها به وظایف اجتماعی توجه می‌کنند. حال آنکه اخلاق اسلامی حکم می‌کند که بر اساس اصل حیا، حرمت در معماری حفظ شود، و بر اساس اصل مدارا، افراد گاه از حقوق قانونی خود به نفع یکدیگر بگذرند تا بیشتر بتوانند در کنار یکدیگر باشند. همچنین اسلام برای همسایه و مهمان ارزشی فراتر از حقوق قانونیشان قائل است. اسلام همسایه را مانند برادر دانسته و به دنبال ایجاد خانواده‌هایی بزرگتر در قالب محلات است. بنا بر این تکیه بر ارزش‌هایی که در دنیای امروز با عنوان پایداری اجتماعی مطرح هستند برای محلات مسکونی ایران امروز به تنهایی پاسخگو نیست چرا که این اصول طبق اصول اخلاقی اسلام ناقص هستند و حتی در برخی موارد دارای ناسازگاری‌هایی با معیارهای اسلامی هستند. بنابراین بهتر آن است که در این عصر رواج ارزشهای غربی و عاری از روابط همسایگی سنتی، نظام اجتماعی با تکیه بر اخلاق اسلامی و مظاهر پایداری اجتماعی ناشی از آن در محلات مسکونی ایران تامین شود. در این مقاله مظاهری مانند محله محوری، مسجد محوری در محله، توسعه فضاها و امکانات عمومی، سلسله مراتب فضایی، مقیاس انسانی و مردم‌واری، سادگی و زیبایی فارغ از تکبر، رعایت حریم و حس تعلق به مکان که منتج از اصول اخلاقی اسلام بودند به دست آمد ولی یافتن راهکارهای معمارانه برای این مظاهر در محلات مسکونی جای بررسی‌های بیشتر دارد که به پژوهش‌های بعدی نیاز دارد.

Archive of SID



## پی‌نوشت:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما روا نیست که زنان را به رغم این که خواهان ازدواجند از ازدواج باز دارید تا از آنان ارث ببرید و نباید همسران خود را در تنگنا قرار دهید تا بخشی از آنچه را که مهرشان قرار داده‌اید در برابر طلاق دادن آنان بازستانید، مگر آن که گناهی مرتکب شوند که زشتی آن آشکار باشد، و با آن‌ها به نیکی معاشرت کنید و اگر آنان را خوش نمی‌دارید، باز هم با آنان سازگاری کنید، زیرا چه بسا شما چیزی را خوش نمی‌دارید ولی خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.
۲. معروف، هر چیزی است که نزد عقل و پیش‌و‌حی و صاحب شریعت به رسمیت شناخته شده است و غیر آن منکر و ناشناخته است. قرآن می‌فرماید: با صنف زن به گونه‌ای رفتار کنید که عقل و شرع آن را به رسمیت می‌شناسد و این قشر عظیم را منزوی و با آن‌ها بدرفتاری نکنید. سپس می‌فرماید اگر نمی‌پسندید که زن‌ها از حیاط اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار باشند بدانید که این کراهتتان نارواست، تعبیر "فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلْ لَهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا" در آیه‌ی یاد شده از تعبیر آیه‌ی جهاد: "و عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لِّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لِّكُمْ" مهم‌تر است چون جهاد و دفاع امری موقتی است اما حضور زن در صحنه هر روز و همیشگی است و همین حیات اجتماعی زن است که می‌تواند در فرهنگ و تربیت و جهاد و دفاع سهم موثری ایفا کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۸۶).
۳. وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ
۴. لازم است بیان شود که امروزه دو رویکرد اصلی در طراحی آگاهانه‌ی فضاهای شهری در سطح دنیا وجود دارد که معیارهای نسبتاً متفاوتی را برای طراحی پایدار به لحاظ اجتماعی در نظر دارند این دو رویکرد عبارتند از نخبه‌گرا و نوع‌م‌کردگرا در غرب و برخی ویژگی‌های این دو نگرش به شرح زیر است ۱. رویکرد نخبه‌گرا و قطعیت‌نگر: خردگرایی، طراحی فردی، خواسته‌ی مشتری، مقیاس ماشینی، فردگرایی، تماشایی بودن، توجه به شکل، ۲. رویکرد نوع‌م‌کردگرا: تجربه‌گرایی، طراحی گروهی، مشارکت مردم، مقیاس انسانی، همبستگی اجتماعی، قابل‌زندگی بودن، توجه به کیفیت محیطی، (مطلبی، ۱۳۸۵، ص. ۶۱).
۵. در طرح رادبرن پارک در مرکز بلوک‌های بزرگ به عنوان برترین نقطه‌ی محله در نظر گرفته شده است و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که یک شبکه راه بن بست رادبرن را تحت تاثیر خود قرار داده است چنین خصوصیتی ممکن است به دلیل این باشد که هر کوچه بن بست را به عنوان یک محیط صرفاً پیاده‌م‌طرح سازد (شبیعه، ۱۳۷۵، ۴۸).

۱. تابان، محسن و وثیق، بهزاد و قلاتی، کشتکار. ۱۳۸۷. طراحی مسکونی پایدار با بهره‌گیری از پتانسیل همپوشانی مرز فضاهای عمومی و خصوصی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۱. ۹۱-۱۰۰.
۲. جوادی آملی، آیت‌الله. ۱۳۸۹. زن در آینه‌ی جلال و جمال. مرکز نشر اسراء.
۳. رئیسی، ایمان و عباس زادگان، مصطفی و حبیبی، ابوالفضل. ۱۳۸۶. نوشتاری بر پایداری اجتماعی در مسکن. مجله آبادی، ۵۵. ۶-۱۱.
۴. سلخی خسرقی، صفا. ۱۳۹۰. تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلامشهرهای تاریخی ایران. اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی. ۷۰۵-۷۳۳.
۵. سلیم حکیم، بسیم. ۱۳۸۱. شهرهای عربی-اسلامی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه ملی ایران.
۶. شیخ طبرسی، فضل بن حسن حنفی. ۱۳۸۵. ق. مشکات الانوار فی غرر الاخبار. نجف: انتشارات حیدریه.
۷. شیعه، اسماعیل. ۱۳۷۵. مقدمه‌ای بر میانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۸. طباطبائی، علامه سید محمد حسین. ۱۳۸۵. سنن النبی (ص)، آداب سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، چاپ هشتم. تهران: انتشارات پیام آزادی.
۹. علامه مجلسی، محمدباقر. ۱۰۸۱. بحارالانوار جلد ۷۱.
۱۰. غضبانیور، جاسم. ۱۳۷۹. از آسمان ایران. انتشارات تیس.
۱۱. قراملکی، احد فرامرز. ۱۳۸۵. روش‌شناسی مطالعات دینی. چاپ اول. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۲. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۶. شهرهای ایران. ح، سلطانزاده در، واحدها و محله‌های مسکونی در شهرهای ایران. ص. ۳۵۰-۴۱۵. تهران: جهاد دانشگاهی تهران.
۱۳. مجلسی، محمدباقر. ۱۳۸۶. آداب معاشرت- ترجمه‌ی جلد شانزدهم بحارالانوار. ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای. جلد اول. تصحیح توسط محمد بهشتی. تهران: نشر اسلامیه.
۱۴. مرتضی، حشام. ۱۳۸۷. اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام. ترجمه‌ی ابوالفضل حبیبی و کیومرث مشکینی. تهران. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۵. مطلبی، قاسم. ۱۳۸۵. رویکردی انسانی به شکل‌دهی فضاهای شهری. نشریه‌ی هنرهای زیبا. ۲۷. ۵۷-۶۶.
۱۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۷. انسان کامل. جلد اول. قم: صدرا.
۱۷. مهدوی کنی، محمدرضا. ۱۳۹۰. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. نراقی، احمد. ۱۳۶۷. معراج السعاده. جلد ۲. نشر حسینی.
۱۹. نراقی، مهدی. ۱۳۷۶. علم اخلاق اسلامی (جامع السعادات). ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتبوی. جلد ۳. قم: انتشارات دارالتفسیر.
۲۰. نراقی، مهدی. ۱۳۷۹. علم اخلاق اسلامی ترجمه‌ی کتاب جامع السعادات. ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتبوی. جلد اول. تهران: انتشارات حکمت.
۲۱. هرگ، کلاوس. ۱۳۷۶. ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان. ترجمه‌ی محمد تقی زاده مطلق. تهران: نشر بوم.



22. Axelsson, Robert, et al. 2013. Social and Cultural Sustainability: Criteria, Indicators, Verifier Variables for Measurement and Maps for Visualization to Support Planning. *ambio* 42 .215–228.
23. McKenzie, Stephen. 2004. Social Sustainability Towards Some Definitions. Hawke Research Institute Working Paper Series 27.
24. Oktay, Derya. 2012. Human Sustainable Urbanism: In Pursuit of Ecological and. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 36 . 16-27.
25. Pilechi, Peiman and Taherkhani, Peiman. 2011. Social sustainability in student dormitorie. *Procedia Engineering* 21.59-64
26. Woodcraft, Saffron. 2012. Social Sustainability and New Communities: Moving from concept to practice in the UK. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 68 . 29-42.
27. باقری، امید. ۱۳۹۱. *cityplanning*. 20. <http://cityplanning.mihanblog.com/post/32> 20. (1388, 7 13). *mihanblog.com*
28. جاودان، مجتبی. ۱۳۹۰. مروری بر چارچوب مفهومی و راهبردی شاخص های پایداری اجتماعی. گروه توسعه اجتماعی مقاله ۱۷۲. [www.pogc.ir](http://www.pogc.ir)

Archive of SID